

Reflection of the Islamic revolution in Reza Baraheni's stories Based on content analysis method

Vahidah Jedari

Ph. D. Student of Persian language and literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.

Ali Ramazani

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran (Corresponding Author). E- mail: a-ramazani@iau-ahar.ac.ir

Reza Aghaari Zahed

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.

Reza Baraheni (1401-1314) is a prominent contemporary critic, poet and storyteller, his stories reflect the political conditions of Iran before the Islamic Revolution and the events of the revolution period. He has written the stories "Song of the Dead", "Secrets of My Land", "Well to the Well" and "What happened after the wedding" based on the Islamic Revolution. In these stories, Baraheni, as an intellectual, aims to describe the society of the Pahlavi dynasty and express the political, cultural and economic problems of the society and has emphasized the conflict between the revolutionary forces and the elements of the Pahlavi dynasty. In this article, in a descriptive and analytical case, the four stories have been analyzed with the approach of sociology of literature. The results show that, the categories of confrontation of the revolutionary people with the elements of the regime, intellectual struggle, student protests, street demonstrations, armed guerrilla activities against the regime, efforts of the people against the elements of the regime are among the central thoughts of Baraheni; and in opposition to them, torturing the fighters and killing the fighters, trying to suppress the revolutionary demonstrations, is the activity of the regime elements in front of the people. Suffocation, tyranny, poverty and corruption are the main characteristics of the society, which on the one hand shows the difficult conditions for the people and on the other hand shows the vulgar life of the regime element.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Story, Sociology, Reza Baraheni, Islamic Revolution.*

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال شانزدهم، شماره شصت و دوم، بهار ۱۴۰۳

ص ص ۷۷-۹۳

«مقاله پژوهشی»

بازتاب انقلاب اسلامی در داستان‌های رضا براهنی از
منظر جامعه‌شناسی ادبیات با تکیه بر روش تحلیل محتوا

وحیده جداری^۱

علی رمضانی^۲

رضا آفاباری زاهد^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۷/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۵/۱۹

چکیده

رضا براهنی (۱۳۱۴-۱۴۰۱) منتقد، شاعر و داستان‌نویس برجسته معاصر است، در حوزه داستان‌نویسی اغلب آثارش انعکاسی از شرایط سیاسی ایران قبل از انقلاب اسلامی و حوادث دوره انقلاب است. داستان‌های «آواز کشتگان»، «رازهای سرزمین من»، «چاه به چاه» و «بعد از عروسی چه گذشت» را با محوریت انقلاب اسلامی نوشته است. در این داستان‌ها براهنی، به عنوان یک روشنفکر دانشگاهی در صدد توصیف جامعه عصر پهلوی و بیان مشکلات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است و به درگیری نیروهای انقلابی با عناصر رژیم تأکید کرده است. در پژوهش حاضر، با روش تحلیل محتوا به شیوه کیفی، چهار داستان مورد نظر با رویکرد جامعه‌شناسی ادبیات بررسی شده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد: مقوله‌های مقابله مردم انقلابی با عناصر رژیم، مبارزه روشنفکرانه، اعتراضات دانشجویی، تظاهرات خیابانی، فعالیت‌های مسلحانه چریکی علیه رژیم، تلاش‌های مردم در مقابل عناصر رژیم جزو اندیشه‌های محوری براهنی است و در تقابل آن‌ها شکنجه مبارزان و کشتن مبارزان، تلاش برای سرکوب تظاهرات انقلابی فعالیت عناصر رژیم در مقابل مردم است. خفقان، استبداد، فقر و فساد ویژگی‌های اصلی جامعه است که در یک طرف شرایط سخت را برای مردم و در طرف دیگر زندگی مبتذل عناصر رژیم را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: داستان، جامعه‌شناسی، براهنی، انقلاب اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: a-ramazani@iau-ahar.ac.ir

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

مقدمه

جامعه‌شناسی، یک علم گسترده با نظریه‌های متعدد است که در نقد ادبی قرن بیستم با توسعه بیش جامعه‌شناختی مطرح شد. در تعریف کلی «جامعه‌شناسی یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی است که می‌توان آن را مطالعه علمی زندگی گروهی انسان‌ها تعریف کرد» (۸: ۱۵). جامعه‌شناسی ادبیات نیز یکی از شاخه‌های بسیار متنوع جامعه‌شناسی است (۱۵: ۱۲)، که حوزه فعالیت آن بررسی آثار ادبی در ارتباط با جامعه است.

از نویسندگان برجسته معاصر که داستان‌هایش را با تکیه بر وقایع جامعه نوشته است، رضا براهنی (۱۳۱۴-۱۴۰۱) است که می‌توان آثارش را با رویکرد جامعه‌شناسی بررسی کرد. وی ابتدا با گرایش نقد ادبی به تحقیقات ادبی روی آورد و اغلب نیز به عنوان منتقد ادبی مشهور است اما در کنار آن به شاعری و نویسندگی پرداخت. داستان‌نویسی را قبل از انقلاب آغاز کرده بود اما به دلیل سیاسی بودن موضوع داستان‌ها، امکان چاپ آن‌ها را قبل از انقلاب نداشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران بازگشت و به داستان‌نویسی ادامه داد و داستان‌های قبل از انقلاب را هم کامل کرد. «آواز کشتگان»، «رازهای سرزمین من»، «روزگار دوزخی آقای ایاز»، «چاه به چاه»، «بعد از عروسی چه گذشت»، «آزاده خانم و نویسنده‌اش» و «الیاس در نیویورک» از آثار داستانی وی است. در این مقاله، چهار داستان «آواز کشتگان»، «رازهای سرزمین من»، «چاه به چاه»، «بعد از عروسی چه گذشت»، در رهیافت به محتوای اجتماعی آثارش، با رویکرد جامعه‌شناسی ادبیات با استفاده از روش تحلیل محتوا، مورد بررسی قرار گرفته است. «این تکنیک به تحلیل و آنالیز محتوا می‌پردازد و می‌کوشد با استفاده از روش تحلیل، داده‌های متن را استخراج کند» (۱۶: ۱۱). با توجه به نوع کاربردها تعاریف مختلفی از آن ارایه شده است گروهی آن را محدود به توصیف ویژگی‌های پیام می‌دانند و گروهی دیگر کاربردهای این روش را علاوه بر توصیف به سطح استنباطی نیز گسترش می‌دهند (۱۱: ۱۲). انواع مختلفی برای آن ذکر کرده‌اند، در این نوع پژوهش که جامعه‌شناسی ادبیات مدنظر است، تحلیل محتوای استنباطی مورد نظر است «در این نوع تحلیل، فرض بر این است که مشخصه‌های خاصی از یک متن با مشخصه‌های خاصی از مضمون یا وضعیت اجتماعی، مرتبط هستند. این نوع تحلیل تنها توصیف محتوای متن را در نظر ندارد بلکه هدف آن نتیجه‌گیری از محتوای یک متن در مورد جنبه‌هایی از واقعیت اجتماعی است» (۱۴: ۳۶). این چهار داستان در کلیت تاریخی روایت دوران عصر پهلوی به ویژه از دهه چهل و پنجاه است و براهنی با توصیف‌های دقیق با واقع‌گویی و بیان نمادین به نکوهش رژیم پهلوی و مبارزات مردمی علیه رژیم و پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است.

پیشینه تحقیق

نگاه جامعه‌شناسانه به آثار براهنی در تحقیقات و پژوهش‌های چاپ شده، آمده است، از جمله آزاد ارمکی و سبزی (۱۳۹۰)، در مقاله «بازنمایی جامعه پیش و پس از انقلاب با تکیه بر دو رمان رازهای سرزمین من و آزاده خانم و نویسنده‌اش اثر رضا براهنی» تصویر جامعه ایران را در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ادبیات داستانی رضا براهنی با تکیه بر نظریه ساختارگرایی گلدمن مورد بحث قرار داده‌اند. صدقی و قادری (۱۳۹۱)، در مقاله «کنش طبقاتی و تأثیر آن بر ادبیات داستانی ایران: مطالعه موردی رضا براهنی» کنش طبقاتی موجود در آثار براهنی را بررسی کرده‌اند و آن را متأثر از چپ‌گرایی حماسی او دانسته‌اند و از داستان‌های رازهای سرزمین من، آواز کشتگان و چاه به چاه نمونه آوردند. فولادی و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله «روزگار دوزخی آقای ایاز از منظر زیبایی‌شناسی انتقادی مکتب فرانکفورت» این داستان را با توجه به نظریات هربرت مارکوزه و تئودور آدورنو بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند براهنی با بر شمردن معضلات جامعه، نظم موجود را به پرسش کشیده است. عباسی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله «نقد پسااستعماری رمان رازهای سرزمین من اثر رضا براهنی» مؤلفه‌های ادبیات پسااستعماری چون تقابل و سنت، سلطه مردانه بر جامعه، مشکلات اخلاقی و استعمارستیزی را بررسی کرده‌اند. همچنین مقاله «بررسی سبک فکری آثار داستانی رضا براهنی با تکیه بر رویکرد جامعه‌شناسی» از نویسندگان حاضر در نشریه «بهار ادب» چاپ شده است.

با توجه به پیشینه تحقیق، در مقاله آزاد ارمکی و سبزی به صورت گذرا، دو اثر رازهای سرزمین من و آزاده خانم، جامعه عصر پهلوی بررسی شده است اما تحقیق جامع که چهار داستان وی با محوریت انقلاب اسلامی و تحلیل جامعه‌شناسی ادبیات با روش تحلیل محتوا بررسی شود، تاکنون انجام نشده است، در مقاله نویسندگان پژوهش نیز براساس مطالعات سبکی این چهار داستان بررسی شده و محوریت تحلیل آثار با تکیه بر انقلاب اسلامی صورت نگرفته است. لذا پژوهش حاضر در ادامه پژوهش‌های قبلی، در جهت شناخت محتوای داستان‌های انقلابی براهنی نوشته شده است.

بحث و بررسی**شناخت مسأله**

در روش تحلیل محتوا، اولین قدم شناخت مسأله است زیرا محتوا در اثر باید با تحلیل و بررسی به دست آید چنان چه در تعریف آن گفته شده است «تحلیل محتوا برای مطالعه آن چه در پیام هست ولی در نگاه اول دیده نمی‌شود و به عبارت دیگر آن چه تلویحی و نهفته است، مناسب می‌باشد» (۱۴: ۳۴). در جامعه‌شناسی ادبیات نیز تحلیل محتوا در ارتباط محتوای اثر ادبی با جامعه می‌باشد، به عبارتی جامعه‌شناسی ادبیات، «پلی است بین جامعه‌شناسی و ادبیات. موضوع این علم، رابطه ادبیات است با جامعه؛ یعنی به صورت تأثیر تحولات تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی در ادبیات» (۹: ۴۰). به عبارتی دیگر جامعه-

شناسی ادبیات به شناخت آثار ادبی محتوا، مشخصات زمینه‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی پیدایی آنان می‌پردازد (۱۷: ۸۲۸).

مسئله اصلی و اندیشه‌های محوری براهنی در چهار داستان «آواز کشتگان»، «رازهای سرزمین من»، «چاه به چاه» و «بعد از عروسی چه گذشت» توصیف مبارزه مردم با ساواک و پیروزی انقلاب اسلامی است، چنان که خود گفته است: «من مسئول و متعهد در جهان کسی را می‌دانم که قلمش و قدمش در راه مبارزه با شرایط بیمارکننده راه برود» (۷: ۲۱۹). خود وی نیز یک فعال اجتماعی و سیاسی بوده است. در سال ۱۳۴۷ از اولین مؤسسان کانون نویسندگان ایران بود، به فعالیت سیاسی پرداخت، تقریباً از سال -های آخر دهه چهل، اعتراض به رژیم پهلوی را آغاز کرد. در سال ۱۳۵۱ به آمریکا رفت و کتاب «ظل الله» را نوشت. این مجموعه شامل اشعار زندان است و ماهیت خشونت‌آمیز رژیم را نشان داده است. در مقدمه کتاب هم آرزوی نابودی آن را مستقیماً بیان نموده است (۲: ۵۶). وقتی در سال ۱۳۵۲ که به ایران بازگشت، به خاطر نوشتن این کتاب و حمایت از مخالفان، دستگیر، زندانی، شکنجه و بعد از یک سال آزاد شد و به آمریکا رفت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به کشور بازگشت و داستان‌هایش را چاپ نمود. او با دقت و با ذکر جزئیات، حوادث و وقایع آن دوران را در داستان‌های فرضی بیان کرده است. توصیف او حزبی نیست بلکه صرفاً مبارزه مردمی را روایت کرده است «او به نوعی ادبیات متعهد پای‌بند است اما نه به معنای تعهد به حزب یا دولت خاصی در جهت رسیدن به اهداف آن بلکه تعهد او گونه‌ای انسانی است. او اعتقاد دارد وظیفه روشنفکران آگاهی رساندن به مردم و راضی نشدن از وضع موجود است» (۱۰: ۸۶).

در داستان «آواز کشتگان»، شریفی، همسرش سهیلا، دکتر خرسندی، صداقت دانشجوی دانشگاه، ایشیق شاعر آذربایجانی، اسماعیلی دوست شریفی جزو افراد مهمی هستند که در مبارزه علیه رژیم و افشای فسادهای آن تلاش می‌کنند. موضوع اصلی آن فعالیت محمود شریفی، استاد دانشگاه تهران علیه رژیم است. وی مخفیانه به جمع‌آوری مدارکی علیه حکومت و ساواک می‌پردازد و می‌خواهد مدارک را برای افشا به مجامع بین‌المللی بفرستد. همسرش نیز با او هم عقیده است و تشویقش می‌کند و در جمع -آوری مدارک نیز به محمود کمک می‌کند. سرانجام محمود دستگیر و کشته می‌شود.

در داستان «چاه به چاه»، اکبر و شخصیت دکتر جزو افرادی هستند که در مبارزه علیه رژیم فعالیت دارند. حمید نیز که قهرمان داستان است با آشنا شدن با شخصیت دکتر و تحت تأثیر عقاید او و وصیت پدرش به مبارزه با رژیم می‌پیوندد. موضوع اصلی آن زندگی حمید است که یک طپانچه به اکبر که مبارز سیاسی است، می‌فروشد و توسط ساواک دستگیر می‌شود. در زندان با شخصیت دکتر آشنا شده و به مبارزه علیه رژیم روی می‌آورد.

در داستان «بعد از عروسی چه گذشت» رحمت شخصیتی است که از سر ناراحتی به شاه ناسزا می‌گوید و دستگیر می‌شود اما در شکنجه ساواک و مسائل پیش آمده، تصمیم به مبارزه می‌گیرد.

در رمان «رازهای سرزمین من» شخصیت حسین تنظیفی، سرهنگ جزایری، تهمینه، بابک اصلان-پور، مردم انقلابی افرادی هستند که در مبارزه علیه رژیم فعالیت دارند. موضوع اصلی روایت زندگی شخصیت حسین تنظیفی است که هجده سال در زندان می‌ماند و آزادی او در زمان انقلاب اسلامی است. بعد از آزادی به دنبال افشای فساد رژیم است که تظاهرات و مبارزات مردمی را در بجنوبه انقلاب می‌بیند و در مبارزه با عوامل فساد رژیم کشته می‌شود.

از منظر جامعه‌شناسی این داستان‌ها واقعیت اجتماعی دهه پنجاه را نشان می‌دهد. محتوای کلی و مهم انقلاب اسلامی است و با بررسی آن‌ها، ویژگی‌های شخصیت‌های وابسته به رژیم و مبارزات مردمی مشخص می‌شود.

در جدول زیر نیز محتوای داستان‌های براهنی با روش تحلیل محتوا قابل بیان است.

جدول شماره (۱): محتوای کلی داستان‌ها

عنوان داستان	فراوانی محتوا
آواز کشتگان	فعالیت‌های دانشگاهیان علیه رژیم پهلوی، فضای خفقان و استبدادی دهه پنجاه، شهادت مبارزان راه آزادی
چاه به چاه	ساواک و نقش آن در دستگیری مبارزان، نقش مبارزان در روشنگری مردم و دعوت به مبارزه علیه رژیم
بعد از عروسی چه گذشت	ساواک و نقش آن در دستگیری مبارزان/ نفوذی‌های ساواک در میان مردم/ نارضایتی مردم از رژیم پهلوی
رازهای سرزمین من	فسادهای اشراف و ساواک، حضور امریکایی‌ها در ایران، مبارزات مردمی علیه رژیم پهلوی

مقوله‌های محتوا در داستان‌های براهنی

همه آثار ادبی مسلماً در بستر جامعه شکل می‌گیرند و هیچ اثری را نمی‌توان جدا از جامعه خودش قلمداد کرد حتی در شخصی‌ترین یا خیالی‌ترین آثار نیز رد پای تأثیر جامعه پیداست و با مطالعه این آثار می‌توان ویژگی‌های اجتماعی اثر را تحلیل کرد: «حسن ادبیات در این است که ویژگی‌های هر عصر را به دقت ثبت می‌کند و نمودار بلیغ‌ترین و گویاترین راه و رسم‌هاست» (۱۸: ۱۱). جامعه‌شناس ادبیات نیز این وظیفه را دارد که تأثیر و تأثر جامعه و آفریننده و اثر را بررسی کند. در روش تحلیل محتوا نیز محتوای آشکار و پنهان اثر بررسی می‌شود «روش تحلیل محتوا به توصیف عینی و منتظم و ذهنی محتوای پیام از بعد ظاهری و باطنی می‌پردازد» (۱۳: ۷۸). در تحلیل کیفی نیز، برای استنباط محتوا، روش‌های مختلفی وجود دارد اما توجه به مضمون بیشترین اهمیت را دارد «متداول‌ترین واحدی که برای تحلیل متون در تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود مضمون است» (۱۲: ۲۰۴). در جامعه‌شناسی داستان‌های براهنی نیز تحلیل مضمون انتخاب شده است و محتوا را در سه بخش کلی می‌توان تقسیم کرد.

۱. تلاش رژیم در سرکوب مردم انقلابی

۲. مبارزه انقلابیون با رژیم

۳. مشکلات فرهنگی اقتصادی جامعه

تلاش رژیم پهلوی در سرکوب مردم انقلابی

هویت رژیم پهلوی در داستان‌های براهنی با ساواک توصیف شده است. واژه ساواک از نظر کمی در داستان‌های او فراوانی دارد، از نظر کیفی زندگی ساواکیان، نقش آن‌ها در دستگیری و شکنجه مبارزان در هر چهار داستان آمده است.

در داستان «چاه به چاه» حمید به خاطر فروختن طپانچه به یک فعال سیاسی، توسط ساواک دستگیر و زندانی می‌شود.

در داستان «بعد از عروسی چه گذشت» رحمت به خاطر توهین به شاه، توسط ساواک دستگیر و به زندان می‌افتد.

در داستان «آواز کشتگان» محمود شریفی به دلیل نگارش مقالات و نوشته‌هایی در انتقاد رژیم توسط ساواک دستگیر و زندانی می‌شود و سرانجام تیرباران می‌شود.

در داستان «رازهای سرزمین من» شخصیت اصلی داستان، حسین تنظیفی، به خاطر این که در صحنه قتل سروان امریکایی شاهد بود، هجده سال در زندان می‌ماند، و بعد از آزادی نیز با ساواک درگیر است تا کشته می‌شود.

انواع مختلف شکنجه توسط ساواک در این زندان‌ها رایج بود در کتاب رازهای سرزمین من از زبان شخصیت اصلی گفته است:

«وظیفه و مأموریت زندان، مسخ کردن حافظه، واقعیت و تخیل است» (۴: ۴۲۴).

در چهار داستان، شکنجه‌های ساواک و رفتار خشونت‌آمیز آن‌ها تکرار شده است، در داستان چاه به چاه، ناخن کشیدن و شوک برقی را توصیف کرده است. براهنی کشتن را بهتر از ناخن کشیدن می‌داند.

«بی‌رحمی کشتن به مراتب کمتر از بیرحمی سوزن فرو کردن زیر ناخن است که ریشه‌اش سست شده تا کشیده شود. قتل‌هایی که به سرعت اتفاق می‌افتد مثل تیرباران یا گردن زدن به سبک قدیم که به یک طرفه‌العین اتفاق می‌افتاد در مقابل کشیدن تدریجی ناخن یک آدم به وسیله آدم دیگر نوعی لطافت است، نوعی محبت است» (۳: ۱۷-۱۸).

در همین داستان، ساواک برای پیدا کردن طپانچه به سراغ خانواده حمید می‌رود، مأمور ساواک وقتی طپانچه را پیدا نمی‌کند با خشونت با پدر و مادر حمید رفتار می‌کند، ابتدا مادر او را کتک می‌زند و با رفتار نامناسب با او حرف می‌زند.

«افسر محکم زد توی صورت مادرم، سر مادرم را گرفته بود توی دستش و بعد یکی دیگر محکم زد تو صورت مادرم» (۳: ۸۱)، سپس به او گفت:

«بین عفریته کریمه، که تروریست و طپانچه فروش پس انداختی، من باید این طپانچه را بگیرم والا می‌برم، می‌دهمت دست جلادهای سازمان امنیت که جای طپانچه را با شلاق ازت درآند» (۳: ۸۱).

استبداد حاکمیت تا به جایی است که با کوچک‌ترین گناه، بزرگ‌ترین شکنجه‌ها را می‌کند، این بی‌عدالتی در داستان «بعد از عروسی چه گذشت» قابل بیان است. رحمت شخصیت اصلی داستان خود را قربانی بی‌عدالتی می‌بیند که به خاطر جرم کوچک تاوان سنگینی را می‌پردازد و در واقع قربانی فساد و بی‌عدالتی حاکم بر دستگاه قدرت‌مند می‌گردد، براهنی در این بی‌عدالتی و اندوه رحمت گفته است.

«عده‌ای از روس‌های فراری هنوز هم در صورت بروز اختلاف یا احساس اهانت طرف دیگر را به دوئل دعوت می‌کردند، چه مساوات جالبی. ای کاش رحمت هم می‌توانست با شاه به تنهایی روبرو شود. و شاه در صورتی که احساس اهانت کرده بود او را به دوئل دعوت کند. ولی حالا رحمت در این دوئل واقعی عجیب در مانده بود. در یک طرف شاه بود با تمام قوانین و مدال‌ها، ملتزمین رکاب، ارتش، ساواکی‌ها، بوروکرات‌ها، اشخاص مبادی آداب، رادیو، تلویزیون، زن و مادر و برادر و خواهرهای شاه و قیافه‌های زیبا و شیک آن‌ها؛ و در طرف دیگر او بود در یک سلول انفرادی، یا در کنار زنش دستبند شده به یک نگهبان ساواک و عواطف عجیب و غریب و خیالات وحشتناک که امانش نمی‌دادند. و به خاطر یک فحش صد بار عذر خواسته بود؛ کتباً و شفاهاً. آیا شاه می‌دانست که این چاکر ناچیزش به علت یک توهین ناچیزش صد بار از او عذر خواسته است؟ درباره یک فحش دیگر چه تاوان بود تا او بدهد! ساعت-ها شکنجه، هفته‌ها کتک خوردن. ماه‌ها توی سلول انفرادی! و تازه این‌ها کافی نبود! از او خواسته می‌شد برود برای دیگران تله بگذارد تا وقتی که از آن‌ها هم عصبانی می‌شوند و به شاه فحش می‌دهند آن‌ها را به داخل اتاق‌های شکنجه راهنمایی کند، با یک تلفن ساده یا یک گزارش کتبی یا شفاهی» (۵۳: ۶)

در داستان «آواز کشتگان» محمود شریفی توسط ساواک شکنجه می‌شود و عاقبت تیرباران می‌گردد. نمونه زیر شکنجه او با سیگار است.

«رئیس روز دوم شکنجه سیگار را گذاشته بود پشت دست محمود، همان جا ده دقیقه نگه داشته بود. محمود اول سعی کرده بود بلند شود، ولی مشت آهنین رئیس او را سرچایش می‌خکوب کرده بود. رئیس دوباره سیگار را گذاشته بود روی محل سوختگی و مثل پزشکی که بخواهد قلبی را معاینه کند به ساعتش نگاه کرده بود. محمود احساس سوزش را در اعماق قلبش و مغزش احساس کرده بود و فکر کرده بود به زودی پاهایش از تنش جدا خواهد شد» (۵: ۴).

بعد از آزادی از زندان، ساواک به او می‌گوید نباید به کسی بگوید که در زندان شکنجه شده است. «ببین دکتر شریفی اگر بشنوم که در جایی از کتک و شکنجه و ناراحتی صحبت کردی، دستور می‌دهم برت دارند، بیاورندت همین جا و برایت یک پرونده رابطه با خارجی‌ها درست می‌کنم، می‌فهمی یعنی چی؟ یعنی مرگ. یعنی حداقل پانزده سال زندان. پس خفه می‌شوی و زندگی‌ات را می‌کنی» (۵: ۱۲).

در داستان «رازهای سرزمین من»، شخصیت حسین در جواب انقلابیان که می‌پرسند از تجربه زندانش بگوید، می‌گوید:

«تاراحتی‌های من کهنه شده. من شانزده هفده سال پیش توی سلول انفرادی بودم، خیلی‌ها درست از سلول انفرادی آمدند بیرون. تا همین چند ماه پیش خیلی‌ها جیره شکنجه داشتند. بروید سراغ آن‌ها. وانگهی من دیگر خسته شده‌ام» (۵: ۶۴۸).

فساد شخصیت‌های رژیم پهلوی

در کنار استبداد و خشونت که ویژگی اصلی شخصیت‌های رژیم است، در چهار داستان فساد آن‌ها دیده می‌شود. محتوای فساد در رفتار، اعمال، سخنان شخصیت‌ها دیده می‌شود. در میان چهار داستان، رمان «رازهای سرزمین من» کاملاً گویای آشکار فساد در طبقه اشراف است «در این رمان با به تصویر کشیدن پیوند ثروت و بی‌بند و باری و فقر و خودفروشی، خودفروشی و خیانت صاحب‌منصبان و باز گذاشتن دست بیگانه در بهره‌برداری از زنان با رابطه جنسی نامشروع، بی‌غیرتی مردان و بی‌وفایی زنان، بیانگر سایه شوم استعمار استعمارگران است» (۱: ۷۵). شخصیت سودابه و تیمسار شادان که زن و شوهر هستند، شخصیت ماهی که به راه فساد کشیده می‌شود، شخصیت‌های آمریکایی که در ایران فعالیت می‌کنند، اهل فساد هستند. در رمان چاه به چاه نیز ساواکی‌ها اهل فساد هستند، در رمان «آواز گشتگان» افراد وابسته به رژیم فاسد هستند.

در آواز گشتگان، دکتر عرب که معلم پسر شاه و همسرش بود (۵: ۴۱). به بهانه نمره ندادن به دانشجویان دختر، آن‌ها را به دفترش می‌خواند تا با آن‌ها معاشرت کند، یکبار می‌خواهد در مخزن کتابخانه به دختر دانشجویی تعرض کند اما از آن جا که دختر نقشه او را درک کرده است از فرارش کمک خواسته است، فرارش نیز به دنبال آن‌ها می‌رود وقتی که دکتر عرب قصد تجاوز دارد، او را می‌گیرد و فرارش‌های دیگر را به کمک فرا می‌خواند و مانع تعرض می‌شوند (۵: ۴۳). در جایی از داستان آمده است «محمود شنیده بود که دکتر عرب از هیچ زنی نمی‌گذرد ولو زشت‌ترین زن عالم باشد. پیش خود فکر کرد که آیا دکتر عرب با این منشی هم عشقبازی کرده یا خیر. یا حداقل از او هم برای عشقبازی دعوتی کرده است و یانه» (۵: ۵۰).

در بخشی، زن دکتر قاصد رئیس دانشگاه را توصیف می‌کند که لباس نامتعارف پوشیده، آرایش غلیظ کرده و بی‌حیاست. فردی که برای کار کردن به خانه قاصد رفته، برای محمود تعریف می‌کند.

«می‌بخشید نباید جلو شما جسارت بکنم. ولی زن بی‌چشم و رو، جلو ده دوازده تا مرد غریبه خجالت نمی‌کشید با یک تنکه آمد جلو ما ایستاد. خم که می‌شد، فرارش جماعت چشم‌هاشان هشت تا می‌شد. بالاتنه اش هم یک لباس چاک چاک بود. زنی که می‌دید که همه دارند فقط نگاهش می‌کنند و اصلاً به حرف‌هاش گوش نمی‌دهند ولی خجالت نمی‌کشید» (۵: ۸۱-۸۰). همسرش نیز برای این بی‌حیایی ناراحتی نداشت «آقای دکتر قاصد خجالت نمی‌کشید زنش را می‌اندازد تو بغل خارجی‌ها ولی این‌ها همه‌شان از یک قماش بودند، دکتر قاصد هم با زن‌های دیگران می‌رقصید» (۵: ۸۲).

در «رازهای سرزمین من» فساد جزوی از زندگی «تیمسار شادان» و همسرش «سودابه» و دوست-شان «ماهی» است. سودابه به پیشنهاد تیمسار شادان با یک آمریکایی رابطه جنسی دارد تا فرزند آمریکایی به دنیا بیاورد (۴: ۲۵۰). خود تیمسار به این دلیل که دلش می‌خواست با خواهرزنش رابطه داشته باشد و او قبول نکرده است، همسر او را کشته است (۴: ۲۵۴). شخصیت «ماهی» نیز با فریب سودابه و همسرش، از سرهنگ جزایری جدا می‌شود و با فرماندار اردبیل به تهران فرار می‌کند و به فساد جنسی روی می‌آورد تا جایی که برای فساد به دربار هم می‌رود. او بعد از فرار با فرماندار اردبیل مدتی را با او می‌گذراند اما فرماندار او را رها می‌کند. مدتی در منزل مادرش می‌ماند. سپس با فردی به نام هوشمندی آشنا می‌شود چند ماه با او زندگی می‌کنند. با هم به شمال می‌روند و در مهمانی هوشمندی او را به فردی به نام ضارب می‌دهد و برای فساد به دربار می‌آید، سرانجام نیز با فرزام آجودان آشنا می‌شود که یکی از مسئولین سرویس‌های اطلاعاتی است و با او ازدواج می‌کند. او با فساد پول‌دار می‌شود و در انقلاب اسلامی از کشور فرار می‌کند اما سودابه گرفتار انقلابیون می‌شود و به جرم فساد اعدام می‌گردد.

وقتی سودابه دستگیر می‌شود، بازجو به او می‌گوید گزارش فسادشان به آن‌ها رسیده است: «کلفت شما و همسایه‌ها به ما گفته‌اند که ماهی حداقل هفته‌ای دو بار به خانه شما می‌آمد. به ما گفته‌اند شما و ماهی دچار انحرافات از نوع دیگر هم بودید. شما منزلتان را به عشرتکده تبدیل می‌کردید. در این عشرتکده شما و ماهی و زن‌ها و مردهای مختلف دسته جمعی با هم بودید. شما از خدا شرم نمی‌کردید؟ به ما گفته‌اند شما و ماهی عاشق هم بودید دلیل فرار شما با ماهی دقیقاً همین بود و به علت نزدیکی ماهی و رفیقش با شاه شما می‌خواستید با هواپیمای شاه بروید» (۴: ۱۰۷۴).

سودابه این مسائل را انکار می‌کند اما به فسادش با ماهی اعتراف می‌کند، سرانجام اعدام می‌شود و ماهی اطلاعیه مرگ او را در روزنامه می‌خواند

«به جرم غرق شدن در فساد، دایر کردن عشرتکده و روابط با دربار و محافل آمریکایی و اقدام به فرار از ایران، مفسد فی الارض شناخته شد و اعدام گردید» (۴: ۱۰۹۸).

هم‌چنین در این داستان در مورد فساد ساواکی‌ها گفته است: «گاهی مأمورهای ساواک با یک جیب می‌رفتند شهر، در بازگشت، گاهی اتفاق می‌افتاد که یکی دو نفر زن را هم همراه خود بیاورند. جیب را می‌راندند تا ته باغ و بعد قالیچه را بر می‌داشتند، می‌بردند. می‌انداختند پشت جایی که جیب را پارک کرده بودند و مشغول عیش و نوش می‌شدند» (۴: ۱۹۶).

در داستان چاه به چاه وقتی که مأموران حمید را به رشت می‌برند تا تحویل زندان بدهند در راه از او آدرس فاحشه‌خانه می‌پرسند. «حمیدخان را تحویل زندان می‌دهیم. شامش را در زندان می‌خورد. بعد می‌رویم شکمی از عزا در می‌آوریم و بعد رو کرد به من. حمیدخان جای عیش رشت کجاست؟ نمی‌دانم جناب سروان فقط شنیدم که فاحشه‌خانه‌های رشت را بسته‌اند» (۳: ۵۳).

در کنار فساد ساواک و اشراف وابسته به حکومت، رژیم اجازه حضور بیگانگان را به مملکت می‌دهد، بیگانگان نیز در کشور به دنبال فساد هستند. مهم‌ترین فساد بیگانگان در رمان «رازهای سرزمین من» آمده است، براهنی در این رمان با حضور آمریکایی‌ها در ایران، بحث فساد آن‌ها را هم مطرح کرده است. اولین گروه‌بان آمریکایی با نام «دیویس» در ابتدای رمان، از فساد خود در تبریز می‌گوید، او در اولین ورود به تبریز به دنبال فاحشه‌ها می‌گردد و از مترجم خود می‌پرسد: «چرا فاحشه‌های تبریز با آمریکایی خوب نیستند چرا فاحشه‌های تبریز نمی‌خواهند با آمریکایی‌ها عشقبازی کنند» (۴: ۱۷).

او هر زمان نیز فرصتی برای فساد می‌آید به سرکار نمی‌آید و خودش را به مریضی می‌زند: «وقتی زنی به تورش می‌خورد، تمارض می‌کرد و سرکارش حاضر نمی‌شد» (۴: ۱۸).

فساد اشراف یکی از راهایی بود که آمریکایی‌ها بدین وسیله در آن‌ها رسوخ می‌کردند و به اهداف خود می‌رسیدند، از قول بیلتمور آمده است وقتی که هوشنگ از او می‌خواهد وی را به آمریکا بفرستد، فساد خانوادگی‌شان را برای بیلتمور توصیف می‌کند و بیلتمور می‌گوید:

«در اعماق شب داشته‌ام به رازهایی دست پیدا می‌کردم که از خود این شب ابتدایی مرموزتر بود. این چه نوع خانواده‌ای بود؟ به نظر می‌رسید که خانواده عمیقاً فاسد بود. ولی یک حقیقت هم بود. جز از طریق خانواده‌ای به این فاسدی، ارتش آمریکا نمی‌توانست در این کشور نفوذ خود را حفظ کند» (۴: ۲۳۵).

مبارزات و تظاهرات مردم انقلابی در برابر رژیم

مبارزه علیه رژیم، فعالیت اصلی شخصیت‌های قهرمان چهار داستان است. واژه مبارزه در داستان‌ها فراوانی دارد.

در داستان «آواز گشتگان» به مبارزات دانشگاهیان و گروه‌های مسلحانه توجه دارد.

در داستان «چاه به چاه» به مبارزه مردمی، مبارزه چریکی توجه دارد.

در داستان «بعد از عروسی چه گذشت» به مبارزه فرهنگیان توجه دارد.

در داستان «رازهای سرزمین من» به مبارزات مردمی، مبارزات روشنفکران و گروه‌های مسلحانه توجه دارد.

در رمان «آواز گشتگان» محمود استاد دانشگاه تهران است و براهنی ضمن توصیف فعالیت‌های او و همسرش، مبارزات دانشجویی را نیز توصیف کرده است. برای نمونه در کنگره‌ای که در دانشگاه در حال برگزاری است، وقتی سخنران در حال صحبت است، دانشجویان معترض به تالار نزدیک می‌شوند، مسئولین از ترس این که دانشجویان وارد تالار نشوند، درهای تالار را می‌بندند اما آن‌ها پشت تالار شعار می‌دهند.

«دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد» (۵: ۲۱۳).

دانشجویان عاقبت موفق می‌شوند، درهای تالار را باز کنند وارد کنگره بشوند. اکبر صداقت که نماینده دانشجویان معترض است، با حفاظت چند دانشجو بالای سن می‌رود و میکروفن را به دست می‌گیرد و سخن می‌گوید و بعد از سخنان او در ادامه، دانشجویان شعار می‌دهند: «یک نفر با صدای بلند از داخل صحنه فریاد زد: دانشجوی زندانی آزاد باید گردد. و بقیه دم گرفتند: دانشجوی زندانی آزاد باید گردد. و بعد یک نفر از دانشجویان از داخل سالن فریاد زد: اتحاد، مبارزه، پیروزی» و دانشجویان دیگر دم گرفتند: اتحاد، مبارزه، پیروزی، اتحاد، مبارزه، پیروزی» (۵: ۲۲۱).

با اعتراض دانشجویان و شعار دادن آن‌ها کنگره به هم می‌خورد: «مجلس آن‌ها به هم خورد. استادها، مستشرقین، زن و مرد از سر و کول هم بالا می‌رفتند تا به در برسند. انگار تالار فردوسی آتش گرفته بود و هرکس می‌خواست فقط جان خود را از مهلکه نجات دهد. صدای خرد شدن دسته‌ها و پستی‌ها و نشیمن‌های صندلی‌ها به گوش می‌رسید. ناگهان صدای دکتر فیلسوف به گوش محمود رسید. نگاه کرد دید دکتر فیلسوف رفته بالای دسته یکی از صندلی‌ها عینکش را برداشته توی دستش گرفته با چشم‌های بسته ایستاده و با دهان باز فریاد می‌زند: آزادی، ربوخته است» (۵: ۲۲۰).

همه جا اغتشاش می‌شود. ساواک وارد عمل می‌شود و با اسپری گاز اشک‌آور، در صدد پراکنده کردن مردم است اما موفق نمی‌شود و ناچار تیراندازی می‌کند. دانشجویان فرار می‌کنند، اکبر صداقت در حین فرار کشته می‌شود. بعد از کشته شدن صداقت وقتی او بر میله‌های دانشگاه مصلوب شده بود مردم با دیدن آن شعاری دهند: «بیرون سر و صدا شد. یک نفر از میان جمعیتی که روبروی جسد و میله‌ها ایستاده بودند فریاد زد: جلاد ننگت باد، جلاد ننگت باد و مردم به شنیدن این جمله دم گرفتند و فریاد زدند: جلاد ننگت باد، جلاد ننگت باد» (۵: ۲۲۶).

هم‌چنین در فلش‌بک‌هایی که محمود به گذشته می‌زند، مبارزات و راهپیمایی مردم و آخوندهای کفنیپوش را توصیف کرده است که علیه حکومت قیام کردند (۵: ۳۸۷-۳۸۵).

رمان «رازهای سرزمین من» کاملاً گویای مبارزات خیابانی مردم، تظاهرات‌ها، اشتیاق و انتظار آن‌ها برای پیروزی انقلاب اسلامی است. براهنی فضای تظاهرات مردمی، آمادگی مردم را برای ورود امام خمینی (ره) با جزئیات در این رمان توصیف کرده است جلد دوم کتاب، مبارزه مردم و پیروزی انقلاب اسلامی است. حسین تنظیمی بعد از آزادی از زندان وقتی به دنبال خبری از تهمینه است، به مردم مبارز می‌رسد و فعالیت‌های آن‌ها را می‌بیند. این توصیف‌ها، بازگویی وقایع چند روز مانده به آمدن امام خمینی (ره) به کشور است.

احمد، از مبارزان انقلابی، برادر زن ابراهیم (مدیر مدرسه) برای مادر بزرگ روزنامه می‌خواند و آمدن امام خمینی (ره) را به او می‌گوید. در روزنامه کیهان از قول یکی از روحانیان لیدر خطاب به ملت می‌خواند: «روز جمعه که به خواست خداوند رهبر ملت به وطن بر می‌گردد انتظار ما این است که سخن‌ها، پلاکاردها، شعارها، همگانی باشد. در عین حال اگر گروه‌هایی می‌خواهند با پلاکاردهای خود سر راه

بایستند، کسی مزاحم آن‌ها نمی‌شود. اما شما مردم را آگاه کنید که می‌خواهیم این مراسم مردمی، بدون تشریفات اما منظم و آرام برگزار شود. باز هم تأکید می‌کنیم که این استقبال باید نشانه آگاهی سیاسی و اجتماعی باشد» (۴: ۶۴۱).

در حین خواندن روزنامه، ابراهیم آقا به خانه می‌آید و با ناراحتی خبر تازه روزنامه را می‌خواند که نوشته سفر امام دو روز دیگر عقب افتاد. آن‌ها ناراحت بودند که چگونه این خبر را به مادر بزرگ بدهند که او ناراحت نشود. در روزنامه می‌خوانند هزاران جوان مسلمان حفظ جان امام خمینی (ره) را به عهده می‌گیرند، احمد با خواندن این مطلب مشتاق می‌شود که برود اسمش را بنویسد. به ابراهیم می‌گوید فکر می‌کنید بگذارند جزو این جوان‌ها باشم، او می‌گوید بله حتماً می‌گذارند، بعد به اتاق می‌روند و آرام خبر را به مادر بزرگ می‌دهند.

وقتی مادر بزرگ خبر را می‌شنود عکس‌العمل او را چنین توصیف کرده است: «مادر بزرگ گریه نمی‌کرد، زوزه می‌کشید و وسط زوزه‌اش می‌گفت چرا؟ چرا؟ چرا؟ و ابراهیم سعی می‌کرد مادرش را آرام کند» (۴: ۶۴۲).

وقتی که خبر آمدن امام به مردم می‌رسد، مردم در خیابان‌ها شعار می‌دهند: «جمعیت یک صدا فریاد می‌زدند بختیار حکومتش تمام است، بازرگان منتخب امام است. ماشین‌هایی که جلوتر بودند پیچیده بودند به طرف بالا و از کنار جمعیت به طرف شمال می‌رفتند. چهارصد پانصد قدم بالاتر مردم فریاد می‌زدند بازرگان بازرگان حکومت مبارک. همان طور که ما داشتیم بالاتر می‌رفتیم شعار را عوض کردند و گفتند دور بر خمینی، سلام بر بازرگان، ... همه به طرف میدان شهید که حالا آزادی شده بود می‌رفتند و فریاد می‌زدند: فرموده خمینی برای ما چو جان است» (۴: ۸۷۱-۸۷۲).

هم‌چنین براهنی حضور مردم در خیابان و سقوط کلانتری‌های تهران را روایت کرده است. مردم با حمله به کلانتری‌ها مسلح می‌شوند و در خیابان‌ها سنگ می‌زنند و به مقابله با نیروی شاهنشاهی می‌روند و می‌گویند: «گارد خائن را به خاک سیاه می‌نشانیم. شاه رفته. این‌ها دیگر چکاره‌اند؟ همه کاره این مملکت حالا سلاحی است که تو دست مردم است» (۴: ۹۴۲).

نمونه زیر توصیف فعالیت خیابانی مردم است که قصد گرفتن کلانتری را دارند.

«بر تعداد آدم‌هایی که از هر سویی می‌آمدند افزوده می‌شد. سنگرها پرتو می‌شد. پشت بام‌ها پر از آدم می‌شد. و خبرهایی مختلف دهان به دهان می‌گشت و مهم‌ترین اخبار مربوط به سقوط کلانتری‌های تهران بود. و اسلحه بود که آورده می‌شد و بین مردم پخش می‌شد. ناگهان دیدم افسر گارد در یک طرف سنگر خوابش برده» (۴: ۹۴۴).

در حین مبارزه نیز پیغام انقلاب به آن‌ها می‌رسد: «از پشت سر صدای موتورسیکلت بند شد. یک نفر به تک تک سنگرها سر می‌زد، چیزی می‌گفت و به سراغ دیگران می‌رفت به زودی معلوم شد جریان از چه قرار است، پیامش پیش از خود موتورسیکلت سوار رسید، امام و بازرگان اعلامیه فرمانداری نظامی را

غیر قانونی خوانده بودند و از مردم خواسته بودند که به خیابان‌ها بریزند. صحبتی از حکم جهاد نبود ولی تهدیدش بود بر تعداد آدم‌هایی که از هر سویی می‌آمدند افزوده می‌شد. سنگرها پرت‌تر می‌شد. پشت بام‌ها پر از آدم می‌شد. و خبرهایی مختلف دهان به دهان می‌گشت و مهم‌ترین اخبار مربوط به سقوط کلاتری‌های تهران بود و اسلحه بود که آورده می‌شد و بین مردم پخش می‌شد» (۴: ۹۴۳-۹۴۴).

مشکلات فرهنگی و اقتصادی جامعه

فقر و فساد و تبعات فرهنگی حاصل از آن از دید براهنی دور نیست، در اثنای بیان سیر وقایع مبارزات مردمی آن را با دقت بیشتری توصیف کرده است. حضور بیگانگان در کشور، توجه حکومت به قشر مرفه، فقر مردم عادی و معضلات اجتماعی و فرهنگی آن در داستان‌ها دیده می‌شود. شخصیت حسین تنظیفی در داستان رازهای سرزمین من، دوران فقر خود را در کودکی تعریف می‌کند که مادرش در خانه‌های اشراف کار می‌کرده و ته مانده غذاها را به خانه می‌آورده است. «هرگز طعم غذاهایی که مادرم پس از کار کردن در خانه‌های تاجرهای مختلف راسته کوچه به خانه آورد، فراموشم نشده است. مادر در این خانه‌ها، در روزهای جشن و سوگواری، عروسی و عزا کار می‌کرد. شب ته مانده سفره‌ها را بین فقرا قسمت می‌کردند، مادر موقع برگشتن، دیگ گنده‌ای را که از خانه برده بود، به خانه بر می‌گرداند» (۴: ۳۴۲-۳۴۳).

زنان فقیر شهر به خاطر فقر و گرسنگی و بیکاری مجبور می‌شوند برای گروهان‌های آمریکایی کلفتی کنند و گاه مجبورند تن به تمامی خواسته‌های آنان بدهند. کلفتی به مترجم می‌گوید «باجی‌ها همه‌شان با گروهان‌ها رفیق‌اند. بالاخره گروهان رئیس است، و هر حرفی بزند کلفت باید بکند» (۴: ۲۴۵). زنان دیگر داستان هم‌چون رقیه و مادرش برای گذران زندگی، تن‌فروشی می‌کنند، مادر رقیه بعد از مرگ همسرش، توسط برادر همسرش به دل‌ها فروخته می‌شود و مجبوراً در شهر نو که مکان زندگی فاحشه‌ها بود، زندگی می‌کند.

فقر باعث می‌شود خانواده‌ای فرزندش را به آمریکایی‌ها بفروشد، یک گروهان آمریکایی که صاحب فرزند نمی‌شود، تصمیم دارد، فرزند یک مرد فقیر را بگیرد، گروهان که راسی نام دارد می‌گوید: «من و زنم بچه‌مان نمی‌شود. می‌خواهیم یک بچه ایرانی بگیریم» (۴: ۲۴۵). از همکاری‌های خواهرش می‌کند که واسطه شود تا بچه را از آن خانواده بگیرد، همکاری تعریف می‌کند که به دنبال پدر و مادر بچه می‌رود و آن‌ها را در محله فقیرنشینی پیدا می‌کند. وضعیت زندگی آن‌ها را چنین توصیف کرده است آن‌ها با فقر زندگی می‌کنند و مجبور به فروش بچه شده‌اند: «مادر بیچاره یکی از بچه‌هایش را شیر می‌داد و سه تا بچه دیگر تو گل و لای، تو یک حیاط کوچک با سی چهل تا بچه دیگر از سر و کول هم بالا می‌رفتند. خانه‌شان توی گود مرده‌شوخانه بود. از محلات فقیرنشین تبریز، که اکثراً گاریچی و درشکه‌چی و کارگر

قالیباف توش زندگی می‌کنند ... مادری مرا که دید زد زیر گریه و گفت با پدر بچه صحبت کرده و شب تمام مدت با هم گریه می‌کردند» (۴: ۲۴۷).

خرافه‌پرستی و اعتقادات عامیانه مورد دیگر از تبعات فقر در جامعه است. در دو کتاب آواز کشتگان و رازهای سرزمین من آمده است. در داستان «آواز کشتگان» از جن و جن‌گیر صحبت شده است. دختر عمه محمود، «ماهنی» بیمار می‌شود اما به جای این که نزد پزشک ببرند، به دلیل فقر و اعتقاد غلط، می‌گویند او جنی شده است و جن‌گیر می‌آورند تا جن را از بدن او بیرون بکشد. اما جن‌گیر با دیدن زیبایی ماهنی، عاشق او می‌شود و به آن‌ها می‌گوید برای این که بتوانم جن را از بدن دختر بیرون بیاورم باید با او عقد کنم «جن‌گیر گفت: من باید با دختر تنها باشم، تمام شب را. دختر به من نامحرم است برای این که جن را از تنش بکشم بیرون باید عقدش کنم. شب صیغه را می‌خوانم، جن را تحویل می‌گیرم، صبح صیغه را پس می‌خوانم من تا حال به زن نامحرم دست نزده‌ام. دختر را صیغه نکنم نمی‌توانم جن را از تنش بیرون بکشم» (۵: ۱۴۳-۱۴۲). اطرافیان که خرافات را قبول داشتند، اجازه دادند، مرد جن‌گیر، دختر را صیغه کند و در اتاق تا صبح تنها بماند. اما محمود که متوجه نقشه جن‌گیر شده بود، ماهنی را از دست جن‌گیر نجات داد.

در کلیت فضای جامعه با خشونت و استبداد و خفقان که ساواک ایجاد کرده بود، رعب و وحشت و سکوت را تداعی می‌کرد. در این جا نمونه‌ای از داستان «چاه به چاه» بیان می‌شود، در این داستان وقتی حمید را به تهران می‌آورند او در ماشین ساواک نشسته شهر را می‌بیند، توصیفش از تهران، خفقان و استبداد رژیم است، او حتی شادی شیطنت در چهره بچه‌های مدرسه نمی‌بیند، تهران را مثل حیوانی زشت می‌بیند، همه جا گویی ارواح است و شادابی و طراوت حتی در درختانی که تازه باران بر آن باریده دیده نمی‌شود: «داشتیم از جاده قدیم شمیران بالا می‌آمدیم. اتوبوس‌ها پر از شاگرد مدرسه بودند. بچه‌ها را می‌دیدم با صورت‌های خسته، کمی غمگین و پوشیده با جوهر و ماژیک و ماسیده‌های غذاهایی که خورده بودند. نمی‌دانم چرا رنگی از شیطنت بچگی در صورت این بچه‌ها ندیدم. آسفالت خیابان لیز و خیس بود. آفتابی ضعیف، مثل یک ته رنگ مشرف به موت، بالای دیوارها جان می‌داد. تهران با تمام بناهای کوچک و بزرگش با آسفالت و ماشین‌ها و آدم‌هایش مثل حیوان کریه و ابله‌ی در زیر پای البرز به زمین کوبیده شده بود. درخت‌های خیابان‌ها با شاخه‌های نیمه خیس‌شان، انگار نه به وسیله باران بلکه به وسیله نوعی روغن مذاب، جسته گریخته، مرطوب شده بود. باران بعد از ظهر نتوانسته بود غبار تن درختان را بشوید و تمیز کند. شاخه‌ها مثل پنجه‌های ارواح بی‌درد سر، از تن درخت‌ها بیرون زده بود. افسر مثل این که فکر مرا خوانده باشد، گفت: تهران چقدر زشت است و بعد گفت عینک را بزن رو چشمش، زود باش. طوری این حرف را زد که انگار می‌خواست مانع آن بشود که من شاهد زشتی تهران بشوم» (۵: ۶-۷).

اما وقتی طلایه پیروزی انقلاب اسلامی به مردم می‌رسد، رعب و وحشت و اندوه کنار می‌رود. نمونه زیر، از داستان «رازهای سرزمین من» بیان می‌گردد. حسین تنظیفی که از زندان آزاد شده و در شهر می‌گردد، حال و هوای مردم را در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب روایت کرده است، همه مردم امیدوار به آمدن امام و پیروزی انقلاب اسلامی هستند:

«سبلان پر آدم بود، کوچه پس کوچه‌ها، حیاطها و آپارتمان‌ها هم پر آدم بود. زنگ هر دری را که می‌زد، صورت ساده پنج شش زن و چندین بچه ناگهان دم در یا پشت پنجره‌ها ظاهر می‌شد. به رغم سرمای زمستان، صورت‌ها سرخ و شاد بود. گاهی دعوت می‌کردند که بروم تو. احساس‌های همدردی-شان ساده، مخلصانه و عمیق بود. مردم یا مکانیک بودند یا سرکارگر یا اداری خرده‌پا و یا راننده وسائط نقلیه و بسیاری از زن‌ها مشغول خرید و پخت و پز بودند و بچه مدرسه‌ها، مدرسه نمی‌رفتند و دیوارها، شب و روز رنگ و شعار عوض می‌کردند و جوان‌ها صحبت از در رفتن شاه، سقوط احتمالی بختیار، آمدن امام، آزادی بقیه زندانیان سیاسی، تغییر حکومت و شکل حکومت آینده می‌کردند. و همگی عجله داشتند می‌خواستند جایی بروند، با صورت‌های مصمم و اعصابی که تیر می‌کشید و در جمع‌های کوچک چند نفره شاد و زیبا و هیجان‌زده و حرف حرف/ شعار، شعار، شعار/ مشت مشت، مشت همه جا بود و همه مردم می‌خواستند به وسط شهر برسند» (۴: ۵۲۰).

نتیجه‌گیری

در این مقاله چهار داستان «آواز کشتگان»، «بعد از عروسی چه گذشت»، «رازهای سرزمین من» و «چاه به چاه» از منظر جامعه‌شناسی ادبیات با روش تحلیل محتوا بررسی شد. در تحلیل محتوا به شیوه تحلیل کیفی استنباطی با تحلیل مضامین داستان‌ها، اهداف و اندیشه‌های نویسنده بیان گردید. مسأله اصلی و اندیشه کلی براهنی، انتقاد از رژیم پهلوی، توصیف فضای استبدادی آن زمان و وقوع انقلاب اسلامی است. هر چهار داستان با محوریت انقلاب اسلامی نوشته شده است. براهنی در این داستان‌ها، یک نویسنده متعهد به اجتماع است که سعی کرده با جزئیات دقیق، حوادث دوره انقلاب اسلامی را توصیف کند. سعی وی این است که روحیه مقاومت و مبارزه‌طلبی را در مخاطب ایجاد کند و با توصیف‌ها از فجایع، فسادها و شکنجه‌ها، مبارزه قهرمان‌ها را در عصر انقلاب بیان نماید. واژه‌های ساواک و مبارزه در کدگذاری تحلیل محتوا در این داستان‌ها فراوانی دارد و براهنی با تکرار آن‌ها در مضامین مختلف، وقایع دهه پنجاه و حال و هوای مبارزات گروه‌های مختلف را برای انقلاب اسلامی روایت کرده است. ساواک نماینده مشخص رژیم در داستان‌های وی می‌باشد که با استبداد، خشونت با مردم رفتار می‌کنند و با وجود آن‌ها، فضای شهر خفقان گرفته است و رعب و وحشت حاکم شده است. در مقابل آن‌ها مردم انقلابی با انتقاد از حکومت، فعالیت علیه رژیم و مبارزات خیابانی فعالیت می‌کنند، زندانی می‌شوند، مورد شکنجه قرار می‌گیرند اما از آرمان و هدف خود روی بر نمی‌گردانند. هم‌چنین براهنی در بیان مبارزات

مردمی و استبداد رژیم، به مشکلات فرهنگی و اقتصادی جامعه توجه کرده است و مشکلات فقر را که باعث ناهنجاری اجتماعی، روی آوردن به فساد و خرافات شده را آورده است. در کنار بیان مشکلات جامعه، فسادهای عناصر رژیم پهلوی را بیان کرده که زمینه حضور بیگانگان را هم در کشور باز کرده‌اند. سرانجام عوامل فساد به دست مردم انقلابی کشته می‌شوند و با پیروزی انقلاب اسلامی، خفقان و استبداد رژیم پایان می‌پذیرد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abbasi, A; Heydari, M; Khorasani, M. (2018). "Post-colonial criticism of the novel "My Land's Secrets" by Reza Brahni and "Bein al-Qasreen" by Najib Mahfouz" *Persian Language and Literature Quarterly*, Vol. 40: P.p: 85-59.
2. Braheni, R. (1980). *Zal Allah* (poems in prison), Tehran: Amir Kabir.
3. Braheni, R. (1984). *Well to Well*, Tehran: No.
4. Braheni, R. (1987). *Secrets of My Land*, Tehran: Moghan.
5. Braheni, R. (2003). *The Song of the Dead*, Tehran: Dadar.
6. Braheni, R. (2007). *What happened after the wedding*, Tehran: Negah.
7. Braheni, R. (2015). *Male history*. Tehran: Negah.
8. Coen, B. (2016). *Basics of Sociology*, translated by Gholam Abbas Tusli, Reza Fazel, Ch 18, Tehran: Samt.
9. Farshidvard, K. (1994). *About Literature and Literary Criticism*, Volume 1, Tehran: Amir Kabir.
10. Fooladi, M; Salahi Moghaddam, S; Fooladi, D. (2019). *An Analysis of Ruzegar-e Duzaxi-ye aghaye Ayaz in Light of the Critical Aesthetic of Frankfurt School*. *Persian Language and Literature* 2019; 27 (87), P.p: 153-175.
11. Mohammadi Mehr, G. (2010). *Content Analysis Method (Practical Research Guide)* Tehran: Daneshnegar.
12. Momeni Rad, A. (2012). *Qualitative content analysis in research tradition: nature, stages and validity of the results*. *Educational Measurement Quarterly*, vol. 4: P.p: 187-222.
13. Qaidi, M; Golshani, A. (2015). "Content analysis method from quantitative to qualitative" Vol. 23, P: 57.
14. Rahim Salmiani, A. (2013). "Review of Content Analysis Method", *Ayane Research*, Vol. 5 and 6, P.p: 30-40.
15. Salim, G. (1998). *Sociology of Literature*, Tehran: Tos.
16. Sari Khani, N; Shah Mansouri, B. (2016). *Content Analysis Method*, Tehran: Asr Novin.
17. Sarokhani, B. (2001). *Introduction to Encyclopedia of Social Sciences*, Tehran: Kayhan.
18. Volk, R; Austen, W. (1998). *Theory of Literature*, translated by Zia Mohd and Parviz Mohajer. Tehran: Scientific and Cultural.